

DEAR FRIEND PRESIDENT TALABANI

<http://www.ghandchi.com/425-Talabani-plus.htm>



دوست عزیز پرزیدنت طالبانی

سام قندچی

من سالهاست که از مدل فدرال برای دولت ایران دفاع کرده ام، با تمرکز تحلیلی خود بر روی تجربه کردستان ایران، وقتی که در عین حال بروشنی نشان داده ام که جدائی کردستان از ایران به نفع کردهای ایران نیست [http://www.ghandchi.com/700-KurdsIran.htm].

در عین حال من همیشه از این کار اجتناب کرده ام که درباره آنکه چه به نفع مردم کردستان سابق عثمانی است بگویم، چرا که آن موضوعی است که بهترین وجه بوسیله متفکرینی که تمرکز توجه شان بر روی کردستان عراق، ترکیه، سوریه، و بخش های دیگر امپراطوری عثمانی سابق است، میتواند انجام شود.

دلیل آنکه من این نامه را مینویسم به این خاطر نیست که بخواهم در آنچه مردم عراق، و از جمله کردهای عراق، بهترین طرح برای خود میدانند، دخالت کنم، بلکه میخواهم که ملاحظات خود را بعنوان یک ناظر *بیرونی* بیان کنم، که ممکن است دیدگاه دیگری را برای در نظر گرفتن احتمالی در اختیار شما قرار دهد.

من معتقدم اینکه یک کرد بعنوان پرزیدنت یک کشور خاورمیانه است دستاورد تاریخی بسیار پر اهمیتی است وقتی که ما میدانیم کردها اساساً در شکل گیری دولت مرکزی در همه کشورهای منطقه قرن هاست که بکنار گذاشته شده بودند. نقش تازه کردها در دولت مرکزی عراق میتواند فرصت مهمی باشد، که در عین وفاداری به خواستههای پایه های خود که امکان دست آورد کنونی را فراهم کردند، این نقش به مشاجرات قومی بی اهمیت نازل نیاید.

اجازه دهید یک نمونه تاریخی را ذکر کنم. وقتی که جنگ داخلی در آمریکا پایان یافت، آبراهام لینکلن به پایه های خود در ایالات شمال که امکان پیروزی در جنگ با ایالاتی که مخالف لغو برده داری بودند را ممکن کردند، وفادار ماند، اما در سخنرانی معروف پس از پایان جنگ داخلی، سعی خود را گذاشت تا که پلی بر روی شکاف دوران جنگ داخلی بزند، و برای همه آمریکائی ها سخن بگوید، و تعهد خود را به دموکراسی و حقوق بشر در مافوق نظرگاه ایالتی نشان دهد. در واقع، اشتباه دولت مؤتلفه جنوب در زمان جنگ داخلی آمریکا در این بود که فکر میکرد حق ایالات که فدرالیسم به آنها داده است را مافوق حمایت دولت مرکزی از حق *بشر* برای لغو برده داری میدید، و در نتیجه آنرا مبنائی برای پشتیبانی از ایالاتی کرد که خواهان حفظ برده داری بودند [http://www.ghandchi.com/362-FederalismRights.htm]. در مقایسه، لینکلن حتی پس از پایان جنگ نشان داد که آنچه تقدم دارد حق *بشر* همه آمریکائیان در مافوق تمایلات هر ایالت معین و از جمله ایالات شمال که دیگر *پیروزمندان* بودند، است. این است دلیل آنکه در تاریخ آمریکا پس از جنگ داخلی، دیدگاه *پیروزمندان* در برابر *شکست خوردگان* آنقدر رشد نکرد و ملت متحد ماند بجای آنکه این شکاف دوباره در زمان های بعد زنده شود.

بنظر من در عراق شما این فرصت تاریخی را دارید که رفتار مشابهی را با جمعیت عرب اهل سنت بکنید. درست است که حساسیت به فدرالیسم در میان جمعیت سنی وجود دارد، اما فقط با نشان دادن اینکه دموکراسی و حقوق بشر به حقوق قومی هر ایالت تقدم دارند است که شما نمونه ای بر جای میگذارید که کردها بعنوان *پیروزمندان* هم برای حقوق بشر ایستادند و نه آنکه فشار بر روی اعراب برای تلافی کردن ستمی که در گذشته اعراب بر کردها روا داشتند بگذازند.

به اینگونه شما میتوانید جمعیت عرب اهل تسنن را به مشارکت در ساختن دموکراسی مدرن بدون ترس از انتقام جوئی قومی بکشید. در واقع فدرالیسم ربطی به شکاف قومی ندارد، و اساساً برای ایجاد *کنترل و توازن* در خدمت دموکراسی است [http://www.ghandchi.com/117-Madison.htm]. اما راحت میشود فهمید که چگونه سؤتفاهم قومی از فدرالیسم میتواند بوجود آید، وقتی ببینیم در کشوری مثل آمریکا که حدود یک قرن پس از موجودیت فدرالیسم، هنوز نصف کشور در زمان جنگ داخلی

فدرالیسم را غلط میفهمیدند، و تصور میکردند که فدرالیسم به این معنی بود که هر ایلاتی میتواند خواست عالی تر آزادی در برابر برده داری را بر مبنای حق ایالتی انکار کند. بنابراین بسیار قابل فهم است که چگونه طرح برای فدرالیسم در ایران و عراق غلط درک شود و فقط آموزش صبورانه مردم به پیشرفت در این زمینه کمک میکند. من منظورم این نیست که درخواست فدرالیسم حذف شود، اما من منظورم این است که شما رهبری کوششهایی برای جلب مشارکت صادقانه جمعیت عرب سنی به زندگی سیاسی در عراق بویژه در مناطق کردنشین را در دست بگیرید و اینکه به اعراب نشان داده شود که فدرالیسم درباره شکاف قومی نیست بلکه درباره *کنترل و توازن and balances checks* است.

باورنکردنی است که این همه حملات انتحاری امروز در عراق دیده میشود. پیش از سقوط صدام القاعده آنقدر در عراق صاحب نفوذ نبود و سقوط حزب بعث به آنها کمک کرده که در عراق طرفدار پیدا کنند، چرا که یک آلترناتیو دموکراتیک برای اعراب سنی هنوز بمثابة دیدگاه غالب در میان آنها شکل نگرفته است، و آنها بر مبنای خطوط قومی و مذهبی احساس بیگانگی میکنند. و شخصی نظیر شما در رهبری عراق، این را امکان پذیر میکند که دست دوستی بطرف اعراب دراز کنید و نمونه تازه ای بگذارید که در آن ستم قومی بشکل موضوعی برای تاریخ در آید.

اکنون یک لحظه تاریخی برای کردها در عراق است که نشان دهند که چگونه میتوانند نقشی پراهمیت در رهبری یک دولت دموکراتیک مدرن چند ملیتی در خاورمیانه ایفا کنند. این چالشی است بسیار مهمتر از حکومت بر یک گروه قومی. این نظیر تجربه چینی های آینده نگری است که نقشهایی مهمی در سنگاپور و بسیاری از کشورهای جنوب شرقی آسیا در شکل دادن دولت مدرن در نیم قرن گذشته ایفا کردند. گفتارهای درباره دولت جداگانه کرد فقط به موقعیت کردها در کشورهای جداگانه ای که آنها در آن ها زندگی میکنند لطمه میزند زمانیکه چنین فرصت تاریخی ای هست که کردها نقش کلیدی در این کشورها برای شکل دادن به دموکراسی و دوستی منطقه ای بجای جنگ ایفا کنند.

و در واقع اگر دولت کردستان جداگانه از طریق برخی کردهای ترکیه بوجود آید، آن دولت میتواند که به هدفی برای جنگ های ممتد و خرابی وضع کردها و دیگر مردم خاورمیانه تبدیل شود، وقتی هر دولت ارتجاعی از جنگ با آن برای تحریک احساسات ملی و بعنوان بز طلایع برای سرپوش گذاشتن بر کمبودهای خود استفاده خواهد کرد، آنگونه که دولت های ارتجاعی عرب در پنجاه سال گذشته از حمله به اسرائیل برای سرپوش گذاشتن بر روی عدم وجود دموکراسی و مدرنیسم در کشورهای خود سود جسته اند. همانگونه که من در کتاب خود نشان داده ام [http://www.ghandchi.com/700-KurdsIran.htm]، همه این حرف ها درباره کردستان بزرگ، اقلأ تا آنجا که به کردستان ایران مربوط میشود، فقط باعث لطمه خوردن به شانس پیروزی کردهای ایران برای بوجود آوردن آینده ای مدرن برای کردهای ایران و بقیه ایرانیان میشود.

به امید سکولاریسم و دموکراسی در خاورمیانه

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

10 مهر 1384

October 2, 2005

مقالات مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/index-Page16.html>

مقالات تئوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>